

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ

سی مرغ و سیمرغ از کتاب: منطق الطیر عطار نیشابوری * قالب: مثنوی * داستان تمثیلی - نمادین * نوع ادبی: داستانی * * لحن: روایی - داستانی.

گنج حکمت: کلان تر و اولی ترا سندبادنامه، ظهیری سمرقندی.

قلمرو زبانی:

۱. معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

الف: نه درو دعوا بود و نه معنا

ب: مرغان جملگی شیدا و دلباخته گشتند.

پ: جهان را گشته ام و از اکناف گیتی آگاهم

ت: پیشت آید هر زمانی صد تعب

ث: هفت دوزخ همچوی افسرده ای.

ج: بعد از این وادی استغنا بود

چ: آن گاه بط باقبای سفید سر از آب بیرون کرد

ح: اشتر چون مقالات گرگ و روباه بر آن گونه، شنید، گردن دراز کرد و گرده بر گرفت و بخورد.

نکته: واژه های درست املايي و مترادف آنها: استغنا و بی نیازی** اعانت و یاری دادن** افسرده و منجمد** اکناف و اطراف**
اولی و شایسته** تعب و رنج** دعوی و ادعا** از وجه زاد و توشه** سروش و فرشته و پیام آور** شگرف و نیرومند** شیدا
و عاشق** صدر و بالای مجلس** کلان و بزرگ سال** گرم رو و مشتاق و کوشا و چالاک** گرده و قرص نان** مخاصمت
و دشمنی** مصاحبت و هم نشینی و هم صحبتی** مقالات و گفتارها و سخنان** وادی و بیابان/ موضع و جایگاه/

۲. در موارد زیر، نقش دستوری هر یک از قسمت های مشخص شده را بنویسید.

الف: چون بود کاقلم ما را شاه نیست؟ / بیش از این بی شاه بودن راه نیست.

ب: صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو

پ: گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال

ت: هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟

ث: وانیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس

ج: بعد از این وادی عشق آید پدید // غرق آتش شد کسی کانهجا رسید

چ: خویش را دیدند سیمرخ تمام / بود خود سیمرخ، سی مرخ تمام

ح: محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام

خ: مجمعی کردند مرغان جهان / آنچه بودند آشکارا و نهان

ذ: شیرمردی باید این ره را شگرف / زن که ره دور است و دریا ژرف ژرف

ذ: مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۳. واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: ما از خطرات راه نمی هراسیم؛ ما (خواستار/ خاستار) سیمرخیم!

ب: میان ایشان از برای گرده (مخاصمت/ مخاصمت) رفت.

۴. نوع «را» را در عبارت زیر مشخص کنید.

الف: «قضا را قرعه به نام هدهد افتاد» (را: به معنی حرف اضافه «از»: از قضا)

ب: گفت ما را هفت وادی در ره است. (فک اضافه) هفت وادی در راه ما است.

۵. بعد از آن بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی ای بی پا و سر (فک اضافه).

الف: ضمیر «آن» به کدام وادی بر می گردد؟

ب: بی پا و سر بودن به کدام ویژگی وادی معرفت، اشاره دارد؟

۶. در کدام گزینه معنای «شگرف» با بقیه متفاوت است؟

الف: «شیرمردی باید این ره را شگرف / زن که ره دور است و دریا ژرف ژرف»

ب: نی ام چندان شگرف اندر سواری / که آرم پای با شیر شکاری

پ: نوبر صبح یک دم است اینت شگرف اگر دهی / داد دمی که می دهد صبحدمت به نوبری

۷. با توجه به بیت: «مُلک اینجا بایدت انداختن / مِلک اینجا بایدت در باختن» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: نقش ضمیر «ت» در «بایدت» (هر دو مصرع) را بیابید.

ب: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

پ: بیت را به لحاظ ادبی بررسی کنید.

۸. اجزای بیت زیر را طبق زبان معیار مرتب کنید؛ سپس نقش دستوری هر جزء را بنویسید.

بعد از این وادی حیرت آیدت / کار دائم درد و حسرت آیدت

بعد از این وادی حیرت برای می آید / کارت دائم درد و حسرت می آید (کارت دائم درد و حسرت است)

بعد از این	وادی	حیرت	(برای) ت	آید	کار	ت	دائم	درد	و	حسرت	می آید
قید	نهاد	مضاف الیه	متمم	فعل	نهاد	مضاف الیه	قید	مسند	عطف	معطوف	فعل

۹. نقش تبعی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

الف: ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است.

ب: مرغان، جملگی شیدا و دلباخته گشتند.

پ: بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت.

ت: در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند آشیان دارد.

۱۰. هر کدام از موارد «الف» مربوط به کدام قسمت «ب» است؟ در ستون قسمت «ب» یک گزینه اضافی است.

ب	الف
فقر	الف: تنهایی گزیدن / ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرّب به خداوند / در اصطلاح تصوف، خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.
تفرید	
توحید	ب: از مراحل سلوک است که عبارت است از نیازمندی به خدای تعالی و بی نیازی از خلق
تجرید	پ. کناره گرفتن از خلق و تنها شدن؛ در اصطلاح تصوف، تحقق بنده است به حق ؛ به طوری که حق عین قوای بنده است.

قلمرو ادبی

۱۱. نمادهای عبارت زیر را مشخص کنید.

«بلبل گفت: من گرفتار عشق کلم. با این عشق، چگونه می توانم در جست و جوی سیمرغ، این سفر پرخطر را بر خود هموار کنم؟»

الف) بلبل ب) گل پ) سیمرغ ت) سفر پرخطر

۱۲. نمادهای زیر را بیان کنید.

«طاووس چنین عذر آورد که من مرغی بهشتی ام، روزگاری دراز در بهشت به سر برده ام، مار با من آشنا شد؛ آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.... هدهد پاسخ گفت: «بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتویی از جمال سیمرغ است. بهشت در برابر سیمرغ چون ذره در برابر خورشید است.»

۱۳. آرایه «مجاز» را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف: برخی از مرغان از همراهی بازایستادند و زبان به پوزش گشودند. بلبل گفت: «من گرفتار عشق گلم»
ب: گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال
پ: گفت ما را هفت وادی در ره است / چون گذشتی، هفت وادی، در گه است.
ت: وانیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس.
ث: مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۱۴. تمثیل های زیر را از داستان منطق الطیر (سی مرغ و سیمرغ) رمزگشایی کنید.

الف) مرغان: (ب) سیمرغ:

۱۵. با توجه به بیت: «چون بود کاکلیم ما را شاه نیست؟ / بیش از این بی شاه بودن راه نیست» به سوال ها پاسخ دهید.
الف) نوع «را» را بنویسید. به معنی برای: حرف اضافه
ب) دو نمونه جناس ناهمسان بیابید. شاه: راه: * راه: * ما: * راه: *
پ) کنایه بیت را بنویسید. راه نیست: کنایه از درست نبودن، طبق رسم و قاعده نبودن.

۱۶. بیت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.

«چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود»

۱۷. با توجه به بیت: «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه / آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار دارم؟»
تلمیح به کار رفته در بیت زیر را توضیح دهید.

۱۸. در بیت زیر، کدام آرایه وجود ندارد؟ «هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش»

الف: جناس ب: ایهام پ: تشبیه ت: مجاز

قلمرو فکری :

نکته: در داستان تمثیلی - نمادین « سی مرغ و سیمرغ»، واژگانی چون: دریا/ شبنم/ سیمرغ/ مرغان/ رسیدن سی مرغ به سیمرغ/ هدهد/ بلبل/ افتادن پر / گل/ باز/ بط/ طاووس و ... همگی نماد هستند..

دریا: پروردگار یا عشق و محبوب حقیقی * * ۲. شبنم: بهشت، انسان، عشق مجازی یا هر چیز دیگری غیر از خدا که انسان به آن دل ببندد.

* * ۳. سیمرغ: رمز خداوند * * ۴. مرغان: رمز سالکان راه حق * * ۵. رسیدن سی مرغ به سیمرغ: رمز وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است * * ۶. هدهد: رمز پیر طریقت و رهبر و راهنما و انسان کامل و آگاه. * * ۷. بلبل: رمز جمال پرستان و عاشقان سطحی و خوش گذران، عاشق زمینی و مادی * * ۸. افتادن پر: رمز ظهور و جلوه حق تعالی است زیرا تمام زیبایی‌های جهان، درخشش و پرتویی از ذات الهی است * * ۹. گل: معشوق مادی و زمینی * * ۱۰. باز: آن که به تمکن مادی رسیده و دیگر میل به خطر کردن ندارد * * ۱۱. بط: آنکه به زندگی عادی خو کرده و توات تغییر ندارد * * ۱۲. طاووس: آن که از عشق به دنبال نفع شخی خود است. * * ۱۳. جغد: آنکه طبق عادت به خیال گنج موهوم، برای رسیدن به گنج حقیقی و کمال تلاشی نمی کند. * * ۱۴. قاف: عالم معنا. * * ۱۵. ذره: نماد کوچکی و حقارت. * * ۱۶. خورشید: نماد بزرگی و عظمت * * ۱۷. مار: نماد اهریمن و شیطان.

۱۹. مفهوم بیت: «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه / آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار داریم» را بیان کنید. قرابت معنای دارد با ابیات:

الف: ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست
ب: چنین قفس نه سزای چو من خوش احانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
پ: گوهر پاک از کجا عالم خاک از کجا / بر چه فرود آمدیت بار کنید این چه جاست.

۲۰. نقش ضمیر «ت» در فعل «بنمایدت» را بنویسید. «بعد از این بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی ای بی پا و سر»

۲۱. معنی و مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف: شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف
ب: روی ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند
پ: چون بود کاقلم ما را شاه نیست؟ / بیش ازین بی شاه بودن راه نیست.
ت: هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟
ث: وانیامد در جهان زین راه کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس.
ج: چون فرود آیی به وادی طلب / پیشت آید هر زمانی صد تعب
چ: ملک اینجا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت درباختن
ح: عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم رو، سوزنده، سرکش بود
خ: بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت

د: صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو

۲۲. مفهوم بیت: «گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال» را بنویسید.

۲۳. بیت «چون نگه کردند آن سیمرخ زود / بی شک این سی مرغ آن سیمرخ بود» را از لحاظ قلمروهای سه گانه بررسی کنید.

۲۴. مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف: «بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست / در خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی

ب: خویش را دیدند سی مرغ تمام / بود خود سیمرخ سی مرغ تمام»

پ: «من نمانم من نمانم من توام / بی توام اما یقین اندر توام»

۲۵. با توجه به بیت: «هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟» به سوال‌ها پاسخ دهید. (قلمرو ادبی)

الف: آرایه‌های ادبی بیت فوق را بنویسید.

ب: منظور از خورشید و ذره را بیان کنید.

۲۶. در بیت زیر، مقصود از «دریا» و «شبنم» چیست؟

« چون به دریا می توانی راه یافت / سوی یک شبنم چرا باید شتافت»

هفت وادی عرفان (به ترتیب مراحل)

۲۷. با توجه به وادی‌های هفت گانه عرفان، هر کدام از ابیات زیر، مربوط به کدام مرحله از مراحل عرفان است؟

۱. طلب (ملک اینجا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت درباختن

۲. عشق (عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم رو، سوزنده و سرکش بود

۳. معرفت (هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش

۴. استغنا (هشت جنت نیز اینجا مرده ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است

۵. توحید (روی‌ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان برکنند

۶. حیرت (مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۷. فقر و فنا (صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو

(فقر و فنا) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود، مردانه ای است.

۲۸. با توجه به بیت «هشت جنت نیز اینجا مرده ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف) منظور از «اینجا» در بیت فوق کدام وادی عرفان است؟

ب) مفهوم بیت را بنویسید.

پ) چند آرایه ادبی بیت را ذکر کنید.

۲۹. جای خالی را با گزینه مناسب پر کنید. «بعد از این وادیآیدت // منزل تفرید و تجرید آیدت»
۳۰. بیت «گر بسی بینی عدد، گر اندکی / آن یکی باشد در این ره در یکی» به کدام مرحله ی هفت وادی عطار اشاره دارد؟
۳۱. ناتوانی مرغان از طی کردن مراحل سلوک عرفانی در داستان «سیمرغ» نمایانگر چیست؟
۳۲. با توجه به بیت: «روی ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند» به سوال های پاسخ دهید.
الف: منظور از «بیابان» کدام وادی است؟
ب: کنایه بیت را بیان کنید.
پ: مفهوم بیت را ذکر کنید.
۳۳. با توجه به بیت «بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت» منظور از «تفرید»، در اصطلاح صوفیه چیست؟
۳۴. بعد از این وادی فقر است و فنا / کی بُود اینجا سخن گفتن روا. مرجع ضمیر «این» کدام وادی است؟
۳۵. با توجه به بیت: «صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو»، به سوال ها پاسخ دهید.
الف: این بیت توصیف کدام وادی عرفان است؟
ب: منظور از واژه های «سایه» و «خورشید» را بنویسید.
پ: جفت واژه های تضاد را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)
ت: مفهوم بیت را بیان کنید.
۳۶. با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.
خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام
محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام
الف: منظور از «خورشید» و «سایه» را بنویسید.
ب: مفهوم مشترک ابیات فوق را بیان کنید.
ابیات فوق با این بیت قرابت معنایی دارند:
قطره در دریا فتادن خود فناست / عین دریا گشتن دریا بقاست.

**

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ

قلمرو زبانی

۱. الف: دعوی: ادعاخواستن چیزی. * ب: عاشق و دلداره * پ: اطراف، کناره ها * ت: رنج و سختی *
ث: منجمد و سرمازده ج: بی نیازی/در اصطلاح، بی نیازی سالک از هر چیز جز خدا. * چ: مرغابی * ح: سخنان.
۲. الف: (متمم - نهاد - قید - نهاد - مسند)
ب: نهاد / متمم / نهاد پ: (قید / مسند / متمم قیدی) ت: (نهاد / مفعول / قید / متمم) ث: (نهاد / مسند)
ج: (نهاد / مسند / مسند / نهاد) چ: (مسند / مسند) ح: (قید / مسند) خ: (نهاد / نهاد) د: (متمم / صفت برای شیر مرد / مسند)
ذ: (نهاد - متمم - نهاد)
۳. الف: خواستار ب: مخاصمت
۴. الف: (را: به معنی حرف اضافه «از»: از قضا) ب: (فک اضافه) هفت وادی در راه ما است.
۵. الف: وادی عشق ب: بی کرانگی و بی حد و مرز بودن آن
۶. پاسخ: گزینه ۳ (گزینه ۱ و ۲: قوی و نیرومند) (گزینه ۳: عجیب و شگفت انگیز)
۷. الف: (ضمیر «ت» در هر دو مصرع، جهش ضمیر دارد و مضاف الیه مُلک و ملوک است.) * * ب: ملوک: نهاد / اینجا: قید
پ: مُلک: مجاز از قدرت / ملوک: مجاز از قدرت و دارایی / انداختن: کنایه از رها کردن و کنار گذاشتن / در باختن: کنایه از
فدا کردن و از دست دادن / ترصیع / تکرار: اینجا بایدت / ملوک و ملوک: جناس ناهمسان (حرکتی)
۸. بعد از این وادی حیرت برای می آید / کارت دائم درد و حسرت می آید (کارت دائم درد و حسرت است)

بعد از این	وادی	حیرت	(برای) ت	آید	کار	ت	دائم	درد	و	حسرت	می آید
قید	نهاد	مضاف‌الیه	متمم	فعل	نهاد	مضاف‌الیه	قید	مسند	عطف	معطوف	فعل

۱. ۹. گزینه «پ» نقش تبعی معطوف (تجرید معطوف برای تفرید) سایر گزینه ها: الف: پرندگان بدل از ما / ب: جملگی: بدل برای مرغان / بلندترین کوه روی زمین: بدل برای کوه قاف.

۲. ۱۰. الف: تجرید ب: فقر پ: تفرید *** واژه توحید: در معنای «یکتاپرستی» در متن سوال ذکر نشده است.
۳.

قلمرو ادبی

۱۱. الف) بلبل: نماد عاشقانی که گرفتار عشق مجازی و زمینی هستند. (ب) گل: نماد معشوق زمینی و مادی (پ) سیمرغ نماد حق (ت) سفر پر خطر: مسیر پرخطر عشق
۱۲. نماد. سیمرغ: رمز خداوند / هُدهُد: رمز پیر طریقت و رهبر و راهنما و انسان کامل و آگاه. / طاووس: عابد و زاهدی که طمع بهشت دارد / ذره: نماد کوچکی و حقارت / خورش: نماد بزرگی و عظمت / مار: نماد اهریمن و شیطان / پرتویی از جمال سیمرغ: استعاره (جمال سیمرغ به خورشیدی تشبیه شده که پرتو دارد) / تشبیه: مانند کردن «بهشت به ذره» و «سیمرغ به خورشید».

۱۳. الف: (زیان: مجاز از سخن) * * ب: (هفته ای: مجاز از زمان اندک) * * پ: (وادی: مجاز از بیابان) ت: (فرسنگ: مجاز از مسافت) (راه: استعاره از عشق سیمرغ: عشق الهی) * * ث: (مرد: مجاز از انسان)... (حیران و تحیر: اشتقاق)
۱۴. مرغان: سالکان راه حق * * سیمرغ: وجود حق تعالی

۱۵. الف) «را» به معنی برای: حرف اضافه (ب) شاه: راه * * راه: راه * * ما: راه * * (پ) راه نیست: کنایه از درست نبودن، طبق رسم و قاعده نبودن.

۱۶. سی مرغ: سیمرغ: جناس همسان / سی مرغ: تکرار / زود: بود: جناس ناهمسان / کل بیت به «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» اشاره دارد: تلمیح

۱۷. شیطان با راهنمایی طاووس در تن مار پنهان شد و وارد بهشت شد و آدم و حواریا و سوسه کرد تا از درخت ممنوعه خوردند و از بهشت رانده شدند.

۱۸. گزینه «پ» / سایر گزینه ها: الف: جناس ناهمسان: صدر و قدر / هر، بر، در * * ب: ایهام: در حقیقت: ۱. حقیقتا (قید) ۲. در مسیر حقیقت و عرفان ت: صدر: مجاز از مرتبه و مقام.

قلمرو فکری

۱۹. (بی ارزش بودن دنیا در نظر عارف و تعلق داشتن روح آدمی به عالم بالا)

۲۰. بعد از آن پیش نظرت، معرفت را وادی ای بی پا و سر نشان می دهد. / «ت» جهش ضمیر دارد: نقش آن مضاف الیه نظر: نظرت: قلمرو زبانی)

۲۱. الف: عارف و عاشق باید قوی و شجاع باشد تا بتواند این راه را طی کن؛ زیرا مسیر عشق، طولانی و پر از سختی است. (مفهوم: لزوم شجاعت و شایستگی عارف و سالک راه عشق / سختی راه عشق)

ب: معنی: اگر از این بیابان (توحید) بگذرند همه به وحدت و یگانگی می رسند. (مفهوم: اتحاد و یگانگی ذات مردان حق) پ: چگونه است که سرزمین ما شاه ندارد؟ بیشتر از این بدون شاه، درست نیست. (لزوم داشتن حاکم)

ت: (هر کس بتواند با خورشید (سیمرغ، حق) هم سخن گردد، هرگز دلبسته یک ذره (عشق فانی) نمی شود تا از راه باز بماند. (مفهوم: دعوت به والامنشی و بلندی همّت)

ث: معنی: هیچ کس در جهان از این راه بازنگشته است؛ به همین خاطر کسی از مسافت آن مطلع نیست. (مفهوم: بی بازگشت و بی کرانه بودن راه عشق)

ج: معنی: وقتی به سرزمین طلب وارد شوی، هر لحظه مصائب و سختی های زیادی به تو روی می آورد. (مفهوم: بیان سختی های راه طلب)

چ: معنی: در وادی طلب، باید پادشاهی (مقام و قدرت) را کنار بگذاری و از تمام تعلقات مادی چشم بوشی. (مفهوم: ترک تعلقات مادی و مقام در وادی طلب)

ح: معنی: عاشق واقعی کسی است که مثل آتش، سربیه و سوزنده و سرکش باشد. (مفهوم: پرشوری و سوزان بودن عاشق)

خ: بعد از مرحله استغنا، وادی توحید، همان جایگاه یکی شدن با معشوق (خداوند) پیش روی تو آشکار می شود. (مفهوم: رسیدن به یگانگی و خالی شدن قلب سالک از آنچه غیر خداست.)

د: هزاران موجود پایدار و همیشگی را که به حق پیوسته اند، در خورشید وجود خداوند، نیست و نابود شده می بینی. (مفهوم: محو کثرت در وحدت)

ذ: پرندگان وقتی با دقت به خود نگاه کردند، متوجه شدند که سیمرغ واقعی، همان سی مرغ کامل بود.

۲۲. (فناپذیر بودن عشق مادی)

۲۳. بیت «چون نگه کردند آن سیمرغ زود / بی شک این سی مرغ آن سی مرغ بود» را از لحاظ قلمروهای سه گانه بررسی کنید.

الف) قلمرو زبانی: بیت ۲ جمله دارد / چون. زود. بی شک: قید / آن سی مرغ: در هر دو مصرع: نهاد / نگاه مفعول / آن سیمرغ: مسند / بیت شیوه بلاغی دارد / ترکیب اضافی: ندارد / ترکیب وصفی: آن سی مرغ در هر دو مصرع. آن سیمرغ.

ب) قلمرو ادبی: سی مرغ و سیمرغ: جناس همسان (تام) / زود. بود: جناس ناهمسان / سی مرغ: تکرار / تلمیح: اشاره بیت به «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

پ: مفهوم بیت فوق: اتحاد سالک با وجود الهی خود یا همان حق.

۲۴. (بیان مقام عرفانی فناء فی الله و وحدت وجود)

۲۵. الف: (خورشید:نماد بزرگی (عشق حقیقی)/ ذره: نماد کوچکی و حقارت(عشق مادی)/ کی تواند باز: باز نمی ماند: استفهام انکاری / باز ماندن: کنایه از به هدف نرسیدن / خورشید و ذره: مراعات نظیر / جناس ناهمسان: راز: باز * با: باز)
ب: (خورشید:نماد بزرگی (عشق حقیقی)/ ذره: نماد کوچکی و حقارت(عشق مادی)

۲۶. دریا: حق تعالی * شبنم: هر چه غیر از خدا

۲۷. ۱: طلب ۲: عشق ۳: معرفت ۴: استغنا ۵: توحید ۶: حیرت ۷: فقر و فنا

۲۸. الف: عارف و عاشق نه به بهشت دلبسته است و نه از دوزخ هراسی دارد / (بی تعلقی به بهشت و بی پروایی از دوزخ) * ب: استغنا * پ: (تشبیه هشت جنت به مرده و هفت دوزخ به یخ / مثل مرده ای: کنایه از بی ارزش بودن / هشت و هفت: هم جناس و هم مراعات نظیر / جنت و دوزخ: تضاد / هفت دوزخ همچو یخ، سرد و منجمد: متناقض نما(پارادوکس)

۲۹. توحید

۳۰. توحید (وادی پنجم)

۳۱. تعلقات دنیوی که انسان را از توجه به خدا و تلاش برای رسیدن به او باز می دارند.

۳۲. الف: توحید * * ب: روی در کنند: کنایه از عبور کردن و گذشتن * * سر از یک گریبان بر کنند: کنایه از یکی شدن و اتحاد و وحدت.

پ: مفهوم بیت: اتحاد و یگانگی ذات مردان حق

۳۳. تحقق بنده است به حق ، به طوری که حق ، عین قوای بنده باشد

۳۴. توحید

۳۵. الف: وادی هفتم: فقر و فنا * * * ب: سایه: استعاره از موجودات که نمود و سایه خورشید حق تعالی هستند. / خورشید: استعاره از وجود حق تعالی /

پ: خورشید و سایه / صد هزاران و یک * * * ت: مفهوم: فنای وجودهای کثیر در برابر نور واحد و مطلق خداوند / محو کثرت در وحدت.

۳۶. الف: سایه: استعاره از سی مرغ(عارفان راه حق) / خورشید: سیمرغ(حق تعالی) * * ب:(مفهوم دو بیت فوق: اتحاد عاشق در معشوق